

Approach of legislature to jobber phenomenon you claim unlawfully to influence

Mohammad amirkarimi¹

Abstract

The people of any society enjoy rights and authorities Many of them are among the basic needs that must be respected and guaranteed. One of the most important rights of every citizen of society, The right to fair and non-discriminatory access to all privileges and services provided by institutions and bodies But today we see that some people claim influence and credibility with the authorities, employees and Generally service providers Acted against the acquisition of property in an unrealistic manner and outside the normal procedures and procedures Which in our custom is known as jobber. In the present article, it has been tried that, given that the mere word of trafficking alone in our laws has no external existence Been .By reflecting on legal texts ,and similar practices .For the mentioned action ,it has been studied and analyzed in different situations and assumptions. From investigation and scrutiny in the actions of traffickers and their increasing expansion and also conclude that the legal approach to these behaviors violates the administrative health system The laws that are most in line with the practice of trafficking have long since passed .Given the current situation in society ,we are witnessing the development and spread of crime in all areas will not be held accountable ,and he has been completely passive in this regard legally.

Also ,factors such as the unregulated expansion of law firms and institutions in recent years and insufficient supervision over them .Existence of administrative paperwork in institutions and organizations ,deterrent punishments and...

There are a number of factors that are involved in the occurrence and spread of trafficking.
keywords: jobber, broker, claim unlawfully, fraud, corruption

1. Master Criminal Law and Criminology, legal intern, Member of the Judiciary, tehran, iran
m.amirkarimi@gmail.com

رویکرد قانون گذار در قبال پدیده کارچاق کنی و اعمال نفوذ برخلاف حق

محمدامیر کریمی^۱

تاریخ دریافت: ۱۰ آبان ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۱۰ فروردین ۱۴۰۱

چکیده

شهروندان هر جامعه‌ای از حقوق و اختیاراتی بهره‌مند و برخوردار می‌باشند که بسیاری از آنها جزئی از نیازهای اولیه و اساسی محسوب می‌شود که می‌بایست محترم شمرده شده و تضمین گردد. یکی از مهم‌ترین حقوق هر شهروند جامعه، حق دسترسی عادلانه و بدون تبعیض آمیز به کلیه امتیازات و خدمات قابل ارائه توسط نهادها و ارگان‌ها می‌باشد. اما امروزه شاهد آن هستیم که برخی افراد با ادعای نفوذ و اعتبار نزد مقامات، کارکنان و به‌طور کلی نهادهای ارائه‌دهنده خدمات، به‌صورت خلاف واقع و خارج از تشریفات و روال عادی در قبال اخذ مال اقدام نموده که در عرف ما به کارچاق کنی مشهور می‌باشد.

در مقاله حاضر سعی بر این شده است که با عنایت به اینکه صرف لفظ کارچاق کنی به‌تنهایی در قوانین ما فاقد وجود خارجی بوده، با تأمل در متون حقوقی و اعمال مشابه، برای عمل مذکور در حالات و فروض مختلف مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. از واکاوی و مذاقه در اعمال کارچاق کن‌ها و گسترش روزافزون آنها و همچنین رویکرد قانونی در قبال این رفتارهای ناقض نظام سلامت اداری نتیجه می‌گیریم که قوانینی که بیشترین تطابق با عمل کارچاق کنی را دارا می‌باشند مدت‌زمان بسیار زیادی از تصویب آنها گذشته است و دیگر با توجه با شرایط فعلی جامعه که شاهد پیشرفت و گسترش بزهکاری در تمامی حوزه‌ها هستیم، پاسخگو نخواهد بود و در این باره از نظر قانونی کاملاً منفعلانه عمل شده است.

همچنین عواملی چون گسترش بدون ضابطه دفاتر و مؤسسات حقوقی در سالیان گذشته و عدم نظارت کافی بر آنها، وجود کاغذبازی اداری در نهادها و سازمان‌ها، مجازات‌های بازدارنده و... مجموعه عواملی هستند که در وقوع و گسترش کارچاق کنی دخیل هستند. **کلیدواژه‌ها:** کارچاق کنی، دلالی، اعمال نفوذ، کلاهبرداری، فساد اداری.

مقدمه

اگرچه از نظر عوام، دلالی و هرگونه واسطه‌گری، عملی نه‌چندان مورد قبول و مورد اعتماد به نظر می‌آید ولی در وضعیت فعلی بسیاری از افراد در جامعه به سمت وسوی دلالی گرایش پیدا می‌کنند.

۱. محمدامیر کریمی کارشناس ارشد حقوق و جزا و جرم‌شناسی، کارآموز کالت، عضو مرکز وکلای قوه قضاییه، تهران، ایران

جدای از صحت اعمال دلال و واسطه‌ها، دخالت و ورود آنها در امور اداری به جهت تسریع امور، اخذ موافقت‌نامه و حتی صدور احکام به نفع طرفین در مراجع قضایی و غیرقضایی، از جمله اموری است که افرادی که مدعی اعتبار و نفوذ هستند و موسوم به کارچاق‌کن می‌باشند صورت می‌گیرد. یکی از اثرات این اعمال، اخلال و ایجاد فساد در ساختار اداری و دولتی کشور محسوب می‌شود که منجر به بی‌اعتمادی عمومی به این نهادها می‌شود.

هدف اصلی از تدوین این مقاله، بررسی ابعاد عمل کارچاق‌کنی مطابق با متون و قوانین حاکم می‌باشد که مرتبط‌ترین آن به قانون اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی مربوط می‌شود، با توجه به اینکه امروزه قشر زیادی از مردم درگیر دعاوی مختلف حقوقی و کیفری در مراجع دادگستری می‌باشند و بعضاً مراجعه به وکلا، منجر به تحمیل هزینه‌های بالایی می‌شود کارچاق‌کن‌ها به ادعای اعتبار و نفوذ در محاکم قضایی با هزینه‌های کمتر درصدد اقدام در این باره برمی‌آیند که البته موضوع از طریق تظاهر به وکالت نیز قابل بررسی خواهد بود.

جدای از این دو مورد، عمل کارچاق‌کنی که صرفاً به صورت فعل محقق می‌شود با جرائم جعل عنوان، کلاهبرداری، و رشا نیز قابل جرم‌انگاری و بررسی خواهد بود، زیرا مهم‌ترین عنصر در کارچاق‌کنی جلب اعتماد طرف مقابل، از طریق اعمال تقلب آمیز و ادعای اختیارات و امتیازات واهی می‌باشد.

در مقاله حاضر، به بررسی رویکرد قانون‌گذار در قبال کلیه مجموعه رفتارهای ناقض نظام سلامت اداری و تشریفات قانونی (کارچاق‌کنی) در ابعاد مختلف با روش تحلیلی توصیفی و با ابزار کتابخانه‌ای اطلاعات، مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

مفهوم شناسی

کارچاق‌کنی

واژه کارچاق‌کنی که امروزه بیش‌ازپیش مورد استفاده و اشاره عوام، مقامات و کارشناسان واقع شده است که البته بعضاً شاهد این موضوع هستیم که تلفظ صحیح و درستی هم از این واژه به عمل نمی‌آید (به کار بردن کلماتی نظیر کارت چاق‌کن و کارد چاق‌کن و...) بیان‌گر نوعی رابط و واسطه برای انجام کاری تعبیر شده است.

به نوعی که در فرهنگ فارسی عمید، به معنای دلال و کسی که معمولاً با گرفتن رشوه کاری را روبه‌راه می‌کند بیان و تعبیر شده است (عمید، ۱۳۸۹: ۳۹).

دلالی

مطابق تعریف ارائه شده در قانون تجارت، دلال کسی است که در مقابل اجرت، واسطه انجام معاملاتی شده یا برای کسی که می‌خواهد معاملاتی نماید طرف معامله پیدا می‌کند و اصولاً قرارداد

دلالی تابع مقررات راجع به وکالت است.

دلالی و واسطه‌گری جز لاینفک و جدایی‌ناپذیر کلیه عقود و قراردادهای قرار دارد به‌نوعی که کمتر اثر حقوقی را امروزه شاهد هستیم که بدون دخالت و واسطه دلال و واسطه انجام شده است. اما موضوعی که دلال و کارچاق‌کن را از یکدیگر متمایز می‌سازد نوع اعمال و اقدامات آنها می‌باشد. دلالی و واسطه‌گری انجام معاملات، اگر مطابق با شرایط و ضوابط مقرر قانونی باشد نه تنها دارای وصف مجرمانه نیست، بلکه مورد حمایت قانون گذار نیز واقع شده است. اما اگر اقدامات دلال و دلالی به سمت سوی نفوذ و اقدامات خلاف واقع اعم از پرداخت هرگونه حق الزحمه، تیبانی، اعمال نفوذ و... کشانده شود با دلال و دلالی متفاوت خواهد بود.

فساد اداری

فساد در لغت به معنای خارج شدن از حد اعتدال است که با سوء استفاده از امکانات و منافع عمومی در جهت کسب منافع شخصی تبلور می‌یابد (ربیع، ۱۳۸۸: ۱۸). فساد اداری از جمله پدیده‌های سازمانی است که روند توسعه کشورها را به‌طور چشمگیر با مشکل روبه‌رو می‌سازد و موجب شکل‌گیری مشکلات و بحران‌های اساسی در سراسر جامعه می‌شود که ریشه فساد بیانگر شکستن است. بنابراین، در فساد چیزی می‌شکند یا نقض می‌شود (قادری، ۱۳۸۸: ۱۳۸). بنابراین در فساد اداری با نقض و شکسته شدن کلیه نظامات و مقررات حاکم بر آن مجموعه روبه‌رو هستیم، رابطه‌ها جایگزین ضابطه شده و به جهت پیشبرد هدف و رسیدن به حقوق، چاره‌ای جز پرداخت حق الزحمه و رشوه وجود ندارد، اختلاس و سایر جرائم در حوزه اقتصادی در این مجموعه استمرار دارد که همگی نشانگر و مؤید وجود فساد اداری در آن مجموعه می‌باشد.

کارچاق‌کنی در حقوق کیفری ایران

اعمال نفوذ برخلاف حق

یکی از قدرت‌های پنهان و متمایز هر واسطه و رابط، امکان نفوذ، برقراری ارتباط و قدرت تغییر در تصمیمات، اقدامات و اعمال، کارکنان و مسئولان هر ارگان و نهادی اعم از قضایی، دولتی، عمومی و... می‌باشد.

کلمه نفوذ، بیان‌گر تأثیر گذاشتن بر کسی، راه یافتن پنهانی در گروهی یا جایی به‌منظور هدفی بیان شده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۸۷).

اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی، در عرف و رویه قضایی ما بیانگر مجموعه اقدامات و اعمالی است که به‌واسطه اعتباری که نزد هریک از مستخدمین دولتی دارد، هرگونه منفعت و امتیازی و یا مالی برای خود یا شخص ثالثی بهره‌مند شود از منظر قانون گذار این عمل دارای وصف مجرمانه می‌باشد.

عنوان کارچاق کنی که به آن اشاره شد در متون و قوانین ما جایگاهی ندارد بلکه به واسطه مجموعه اقدامات و اعمال شخص کارچاق کن و واسطه، مطابق با قوانین مرتبط برای وی عنوان مجرمانه تعیین می‌شود. یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین این اعمال مجرمانه، اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی می‌باشد.

سابقه جرم انگاری این موضوع از دیرباز تاکنون وجود داشته است و قانون‌گذار به جهت اهمیت و حمایت از حقوق شهروندان جامعه، حفظ و حراست از نهاد و ارگان‌ها در برابر فساد اداری و جرائم مبتلابه در سال ۱۳۱۵ اقدام به تدوین قانون مجازاتی در این باره نموده است.

ارکان جرم اعمال نفوذ برخلاف حق

مهم‌ترین رکن و عنصر یک جرم، عنصر قانونی آن و توجه به اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها می‌باشد.

همان‌طور که اشاره شد در سال ۱۳۱۵ قانونی تحت عنوان «قانون مجازات اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی» تصویب شد که به موجب آن، هر کس به دعوی اعتبارات و نفوذی در نزدیکی از مستخدمین دولتی یا شهرداری یا کشوری یا مأمورین به خدمات عمومی وجه نقد یا فایده دیگری برای خود یا شخص ثالثی در ازا اعمال نفوذ نزد مأمورین مزبوره از کسی تحصیل کند و یا وعده و یا تعهدی از او بگیرد (ماده ۱) و یا هر کس از روابط خصوصی که با مأمورین یا مستخدمین مذکوره در ماده یک دارد سوءاستفاده نموده و در کارهای اداری که نزد آنها است به نفع یا ضرر کسی برخلاف حق و مقررات قانونی اعمال نفوذ کند به حبس، جزای نقدی و یا رد مال محکوم خواهد شد.

عنصر مادی این جرائم که الزاماً به صورت فعل بوده و توسط اشخاص حقیقی به وقوع می‌پیوندد مواردی از جمله ادعای داشتن اعتبار و نفوذ نزد مستخدمین دولتی و عمومی محسوب می‌شود. در خصوص عنصر معنوی این جرم باید اذعان داشت که براساس قاعده حقوقی، اصل بر عمدی بودن کلیه جرایم است مگر این که خلاف آن تصریح شده باشد. جرم اعمال نفوذ هم از این قاعده مستثنی نبوده، بنابراین جرم عمدی است. مرتکب می‌بایستی با علم و آگاهی و با سوءنیت عام و خاص مرتکب عمل مجرمانه اعمال نفوذ شود (کوشا، ۱۳۹۱: ۱۶۳).

سوءنیت عام در این جرم عبارت است از: مرتکب با علم به اینکه می‌داند اعتبار و نفوذی در نزد مأمورین ندارد، ولی به صورت واهی چنین ادعایی می‌نماید. با این که برفرض اینکه نفوذ و اعتباری در نزد مأمورین دولتی یا عمومی دارد، به عبارت دیگر، ادعای اعتبار و نفوذ بنابراین ادعا می‌بایستی جرم اعمال نفوذ، با قصد و عمد انجام گیرد. سوءنیت عام، در جرم اعمال نفوذ لازم است ولی برای تحقق عنصر روانی جرم، کافی نیست و مرتکب می‌بایستی در ازاء ادعای اعتبار و نفوذ در نزد مأمورین دولتی به قصد تحصیل وجه یا فایده با گرفتن وعده یا تعهدی را از دیگری برای خود و یا دیگری داشته باشد. در دو بند ماده ۱ قانونگذار به سوءنیت خاص اشاره دارد. ولی باید توجه کرد که وجود سوءنیت خاص

در هر عمل مجرمانه دلیل بر مقید بودن جرم نخواهد بود.

ممکن است سوءنیت خاص در عنصر روانی لازم و ضروری باشد جرم مطلق تلقی شود. در جرم اعمال نفوذ برخلاف حق، جرم مقید است. بایستی علاوه بر سوءنیت خاص، یعنی قصد تحصیل مال یا منفعتی، در نتیجه، این یکی از این موارد اخذ و تحصیل شده باشد (همان، ۱۶۴).

رابطه شخصیت مجرم و تشدید مجازات

آنچه که تاکنون در خصوص این جرم بیان شد، صرفاً اشخاص عادی را در برمی گیرد که به موجب نفوذ و اعتباری که نزد مقامات دولتی دارند یا روابط خصوصی با مأمورین مذکور داشتند محقق می شود. اما دسته دیگر اشخاصی هستند که به واسطه شغلی که دارند مدعی اعتبار و نفوذ در برابر مأموران و مسئولین دولتی، قضایی و... می باشند و به واسطه این ادعای خود وجه، مال، یا هرگونه امتیازی تحصیل می نمایند.

مطابق با ماده ۴ از قانون مجازات اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی؛ هر وکیل عدلیه که به دعوی داشتن اعتبار و نفوذ در نزد مأمورین قضایی یا اداری یا حکم یا شهود و اهل خبره وجه یا مال یا فایده دیگری برای خود یا شخص ثالثی از موکل خود به عنوان اینکه باید به یکی از اشخاص مذکوره بپردازد یا مساعدت آنها را جلب کند تحصیل نماید یا وعده آن را قبول کند علاوه بر رد وجه یا مال مورد استفاده یا قیمت آن به حبس تأدیبی از یک سال الی سه سال محکوم خواهد شد.

غصب و جعل عناوین در قامت کارچاق کنی

یکی از صور و طرق خاص جرم جعل، جعل و غصب عناوین و مشاغل می باشد که ارتباط و مفهوم نزدیکی با کارچاق کنی دارا می باشد.

کلمه غصب به معنای به ستم گرفتن، اجبار، مطابق میل و رضا نبودن معنی شده است (دهخدا، ۱۳۸۱: ۱۵۸) و واژه جعل، به معنای خلق کردن سخنی دروغین و منسوب کردن آن به دیگران تعبیر شده است (همان).

اما در جرم جعل عنوان، چیزی که مورد تقلب و جعل واقع می شود شخصیت و سمت کارکنان و مسئولان مشاغل اعم از دولتی، نظامی، قضایی و... است.

اما ارتباط و قرابت بین این جرم با کارچاق کنی در متوسل شدن کارچاق کن ها به ادعای نفوذ و قدرت در نهاد و ارگان های مهم به واسطه جعل عناوین و مشاغل می باشد.

به بیان دیگر، کارچاق کن با جعل عنوان و جلب اعتماد مردم از طریق، جعل کارت شناسایی، دسترسی غیرمجاز به البسه مأموران و مواردی از این قبیل و به ادعای نفوذ و پیشبرد کار و هدف شخص یا

اشخاص اقدام به اخذ مال یا وجه از آنها می‌نماید.

ارکان جرم غصب عناوین

در خصوص عنصر قانونی جرائم مرتبط با جعل عناوین می‌بایست به مواد ۵۵۵، ۵۵۶ و ۵۵۷ قانون مجازات اسلامی کتاب تعزیرات اشاره نمود.

موضوع قابل توجه و تأمل در این باره موضوع ماده ۵۵۵ قانون مجازات می‌باشد و ذکر این موضوع که علاوه بر دخالت و معرفی غیرقانونی خود به عنوان مأمور دولت که واجد عنوان مجرمانه مستقل می‌باشد در صورت جعل سندی برای اثبات مدعای خود، جرم جعل نیز ثابت است و به عبارتی با تعدد جرائم مواجه هستیم.

عنصر مادی این جرائم که همگی به صورت فعل محقق می‌شود و با عنایت به مواد قانونی تصریح شده مواردی از جمله دخالت نمودن در مشاغل دولتی، معرفی نمودن خود به عنوان فرد دارای سمت در مشاغل دولتی، مورد استفاده قرار دادن لباس‌ها و نشان‌های مأموران نظامی یا انتظامی محسوب می‌شود.

در خصوص عنصر معنوی این جرائم هم باید اذعان داشت که علم و آگاهی جاعل عنوان به اینکه اولاً استفاده و معرفی نمودن خود به عنوان مأمور یا مسئول دولتی جرم می‌باشد و ثانیاً استفاده از این عناوین به جهت فریب افراد و اشخاص و جلب اعتماد آنها و سوءاستفاده از وضعیت اضطرار آنها به قصد به دست آوردن وجوه، امتیاز و... از جمله مهم‌ترین ارکان عنصر معنوی جرائم جعل عنوان محسوب می‌شود.

اعمال نفوذ به وسلیه شغل و حرفه

استفاده غیرمجاز از لباس و موقعیت شغلی توسط نظامیان

قرار گرفتن در موضع قدرت و امتیاز و منافی را که به تبع آن برای اشخاص به دنبال دارد که همواره افراد را میل به استفاده از این امتیازات و اختیارات در جهت خلاف حق و مقررات واداشته است. واسطه‌گری و نفوذ برخلاف حق جهت کسب منفعت فقط مختص به افراد غیرنظامی نیست بلکه

۱. ماده ۵۵۵ قانون مجازات اسلامی: هر کس بدون سمت رسمی یا اذن از طرف دولت خود را در مشاغل دولتی اعم از کشوری یا لشگری و انتظامی که از نظر قانون مربوط به او نبوده است دخالت دهد یا معرفی نماید به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد و چنانچه برای دخالت یا معرفی خود در مشاغل مزبور، سندی جعل کرده باشد مجازات جعل را نیز خواهد داشت.

۲. ماده ۵۵۶ قانون مجازات، هر کس بدون مجوز و بصورت علنی لباس‌های رسمی مأموران نظامی یا انتظامی جمهوری اسلامی ایران یا نشان‌ها، مدال‌ها یا سایر امتیازات دولتی را بدون تغییر یا با تغییر جزئی که موجب اشتباه شود مورد استفاده قرار دهد در صورتی که عمل او به موجب قانون دیگری مستلزم مجازات شدیدتری نباشد به حبس از سه ماه تا یک سال و یا جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون ریال محکوم خواهد شد و در صورتی که از این عمل سوء استفاده کرده باشد به هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

تبصره - استفاده از البسه و اشیاء مذکور در این ماده در اجرای هنرهای نمایشی مشمول مقررات این ماده نخواهد بود

۳. ماده ۵۵۷ قانون مجازات «هر کس علنی و بصورت غیر مجاز لباس‌های رسمی یا متحدالشکل مأموران کشورهای بیگانه یا نشان‌ها یا مدال‌ها یا سایر امتیازات دولت‌های خارجی در ایران را مورد استفاده قرار دهد به شرط معامله متقابل و یا در صورتی که موجب اختلال در نظم عمومی گردد مشمول مقررات ماده فوق است.

مطابق با قانون جرائم نیروهای مسلح، کارکنان و پرسنل انتظامی هم در صورت اعمال نفوذ برخلاف حق و استفاده غیرقانونی یا فراقانونی از مقام دارای مسئولیت کیفری می‌باشند. در این رابطه، ماده ۱۲۶ قانون مذکور بیان می‌دارد که: هر نظامی که علناً نشان‌ها و مدال‌ها و علائم و درجات و البسه رسمی نظامی داخلی یا خارجی را بدون تغییر یا با تغییر جزئی که موجب اشتباه شود بدون مجوز یا بدون حق، استفاده نماید یا از لباس، موقعیت، شغل و کارت شناسایی خود برای مقاصد غیرقانونی استفاده کند به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم می‌شود مگر اینکه به موجب این قانون و یا قوانین دیگر مستلزم مجازات شدیدتری باشد که در این صورت به آن مجازات محکوم می‌گردد.

تبصره - استفاده از البسه و اشیاء مذکور در این ماده در اجرای هنرهای نمایشی مشمول مقررات این ماده نخواهد بود.

اما درخصوص مقاصد غیرقانونی مصرح در ماده ۱۲۶ قانون جرائم نیروهای مسلح تفسیرها و نظرات مختلفی ارائه شده است که منجر به برداشت‌های ناصحیح از آن مقرر شده است. در همین راستا اداره حقوقی قوه قضاییه با تبیین نظریه مشورتی اقدام به بررسی این موضوع نموده است. این نظریه مقرر می‌دارد که منظور از عبارت «برای مقاصد غیرقانونی» در ماده ۱۲۶ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب سال ۱۳۸۲ آن است که نظامی از لباس نظامی، کارت شناسایی سازمانی، موقعیت نظامی و عنوان حرفه‌ای خود سوءاستفاده کند و اموری که خارج از وظیفه و مأموریت اوست، انجام دهد و به طور مثال مأمور انتظامی به لحاظ قرابتی که با شاکی دارد و بدون اینکه مأموریتی به او محول شده باشد به در خانه مشتکی عنه مراجعه و وانمود کند که برگ جلب وی را در اختیار دارد و وی را دستگیر و به کلانتری اعزام کند. آنچه طبق این ماده مهم است، سوءاستفاده از لباس، موقعیت شغلی و کارت شناسایی سازمانی خود، جهت مقاصد غیرقانونی است؛ اعم از اینکه اقدامات او مطابق قوانین جزایی جرم باشد یا نباشد و مقررات انتهایی ماده مرقوم مؤید این امر است.

استفاده غیرمجاز از عناوین علمی

از آنجاکه از گذشته تاکنون برای قشر تحصیل کرده و دارای تحصیلات دانشگاهی همواره ارزش و اعتبار ویژه‌ای در عرف و جامعه قائل شده‌اند افراد مختلف در جایگاه‌های مختلف برای کسب اعتبار، شأن و منزلت و جبران این خلأ اقدام به استفاده غیرمجاز از عناوین علمی می‌نمایند. اگرچه شاید این‌طور به نظر برسد که استفاده غیرمجاز از عناوین علمی عملی ساده و فاقد وصف کیفری باشد ولی درحقیقت نوع مشابه و دیگر جرم غصب عنوان می‌باشد که قانون‌گذار با حساسیت و مذاقه بیشتر جرم انگاری مستقل نموده است.

درواقع در جعل عنوان و موارد مصرح در قانون مجازات، صرفاً جعل عنوان و مشاغل، نظامی، قضایی، دولتی و... پیش‌بینی شده و به دلیل شایع بودن استفاده غیرمجاز از عناوین علمی چون دکتر،

مهندس ولو بدون سوءنیت و قصد مجرمانه، جرم محسوب شده است.

به موجب ماده واحده از قانون؛ قانون مجازات استفاده غیرمجاز از عناوین علمی مصوب سال ۸۸، استفاده از عناوین علمی دکتر، مهندس و مانند این‌ها که شرایط اخذ آن مطابق قوانین و مقررات مربوط تعیین می‌گردد توسط هر فرد برای خود مستلزم داشتن مدرک معتبر از مراکز علمی و دانشگاهی داخلی و یا خارجی مورد تأیید رسمی وزارت‌خانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری یا بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌باشد. مرتکبین استفاده غیرمجاز از عناوین علمی مذکور به مجازات ماده (۵۵۶) فصل هشتم کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی محکوم خواهند شد.

تبصره - استفاده غیرمجاز از عناوین فوق شامل استفاده در مکاتبات اداری یا در تبلیغ عمومی از طریق وسایل ارتباط جمعی مانند رادیو، تلویزیون، روزنامه، مجله، تارنما (سایت) یا نطق در مجامع و یا انتشار اوراق چاپی یا خطی خواهد بود.

مطابق با مقرر فوق می‌توان این‌گونه برداشت نمود که این عمل مجرمانه از جمله جرائم مطلق به‌شمار می‌آید که به‌صرف استفاده غیرمجاز از عناوین علمی، حتی اگر منفعتی کسب نشود بازهم عمل فوق، عمل مجرمانه محسوب خواهد شد.

تظاهر به عمل وکالت

یکی از اغلب رفتارهای مجرمانه کارچاق‌کن‌ها تظاهر به عمل وکالت در بین عامه مردم می‌باشد، موضوعی که به‌عنوان یک عامل مشدده مجازات صرفاً برای وکلای دادگستری در قانون اعمال نفوذ برخلاف حق محسوب می‌شود. در واقع، به‌واسطه عدم آگاهی عموم جامعه از امور حقوقی و قانونی، افرادی با سوءاستفاده از این موضوع، با معرفی نمودن خود به‌عنوان یک وکیل دادگستری، یا یک فرد آگاه به قوانین و مقررات، درصدد اغفال و ربایش اموال مردم از طریق تظاهر به عمل وکالت می‌نمایند. اما قانون‌گذار تنها به این مورد بسنده نکرده است و در قانون وکالت با گسترده موضوع و تعمیم آن به موارد مشابه، رفتارهایی از قبیل فعالیت وکلای معلق به وکالت، فاقد پروانه وکالت، محروم از وکالت به مشاوره حقوقی یا اینکه به‌وسیله شرکت و سایر عقود یا عضویت در مؤسسات خود را اصیل در دعوی قلمداد نماید، متخلف از یک الی شش ماه حبس تأدیبی محکوم خواهد شد.

جرم تظاهر به عمل وکالت از نظر مصداقی بسیار به جرم کلاهبرداری مشابه می‌باشد. در این رابطه باید بیان داشت که در ماده ۱ از قانون تشدید، یکی از مصداقی که توسل به وسایل متقلبانه و به عبارتی مقدمه جرم کلاهبرداری معرفی شده است، اتخاذ عنوان مجعول توسط شخص کلاهبردار و در پی آن تحصیل اموال متعلق به دیگران است به همین دلیل می‌توان جرم کلاهبرداری را به‌نوعی با تظاهر و مداخله در وکالت مرتبط دانست.

تظاهر فرد به وکالت اگر به نحوی باشد که بتوان نام مانور متقلبانه را که از ارکان اصلی تحقق جرم کلاهبرداری است بر آن گذاشت و همچنین متعاقب آن تحصیل مالی نیز توسط شخص متظاهر

صورت پذیرد می‌تواند مشمول عنوان عام کلاهبرداری نیز باشد. اما در مواردی که شخص صرفاً تظاهر به وکالت نموده و اقدامات او در حد مانور متقلبانه و عملیات فریب نیست تنها به موجب ماده ۵۵ قانون وکالت می‌تواند محکوم به مجازات گردد. همچنین در خصوص این جرم باید ادعان داشت که به صرف تظاهر و یا مداخله در عمل وکالت دادگستری این عنوان مجرمانه محقق شده و تحقق آن، منوط به ورود صدمه و آسیب به اشخاص یا کسب سود و منفعت برای مرتکب نیست.

قیاس جرم اعمال نفوذ با جرائم مشابه

افتراق جرم کلاهبرداری با اعمال نفوذ برخلاف حق

همان‌طور که اشاره شد، کلاهبرداری از طرق و مصادیق مختلفی برخوردار می‌باشد که مهم‌ترین و البته شبیه‌ترین آن با غصب عنوان و اعمال نفوذ برخلاف حق، به کار بردن حیله و تقلب به داشتن اموال و اختیارات واهی و همچنین جعل اسناد مالی از شخصی اخذ شود کلاهبرداری محسوب می‌شود. اما موضوع مهم و قابل بحث وجه تمایز این دو جرم از یکدیگر می‌باشد. در کلاهبرداری، مرتکب بدون در نظر گرفتن شخص معین با قصد تقلب نسبت به مردم، اقدام به کلاهبرداری می‌کند. در ضمن، کلاهبرداری بدون اعلام و طرح داشتن اعتبار و نفوذ در نزد مأمورین دولتی و بدون اینکه پرونده یا موضوعی در جریان باشد، اقدام به مانور متقلبانه می‌کند (به نقل از میر محمد صادقی، ۱۳۹۱: ۲۱).

در اعمال نفوذ، موارد مختلف و متعددی را می‌توان نتیجه ادعای داشتن اعتبار و نفوذ در نزد مستخدمین دولت یا نهادهای عمومی دانست. تحصیل وعده، تعهد، فایده از مواردی هستند که قانون‌گذار بدان‌ها اشاره کرده است در عین حال ادعای داشتن اعتبار و نفوذ یکی از مصادیق مانور متقلبانه محسوب شود اما رفتار مندرج در این جرم منحصر به این مورد بوده و سایر موارد مانور متقلبانه در این جرم، موضوعیت ندارد. در واقع، نفوذ هر چند نتیجه آن ممکن تحصیل موارد متعددی باشد، ولی از نظر روش در ارتکاب جرم محدود بوده و جزئی از مانور متقلبانه را به خود اختصاص می‌دهد (کوشا، ۱۳۹۱: ۱۶۵).

اما در خصوص عنصر ماده این جرم باید بیان داشت که این جرم، از جمله جرایم عمومی است. لذا گیرنده وجه یا مال باید با علم و آگاهی و سوءنیت، اقدام به گرفتن وجه یا مال کند. در واقع، گیرنده می‌داند که از مقام و موقعیت خود سوءاستفاده می‌کند و با علم به اینکه در مقام تخلف و سوءاستفاده است، مبادرت به عمل می‌نماید.

ارتباط ارتشا با کارچاق‌کنی

همان‌طور که در ابتدا اشاره شد کارچاق‌کن، واسطه و رابط بین طرفین محسوب می‌شود

و یکی از طرق جلب رضایت مقامات و کارکنان واجد صلاحیت در نهادهای دولتی و عمومی به جهت انجام اقدامات غیرقانونی در حیطه‌ی وظایف و اختیارات خود، اخذ رشوه از متقاضی یا رابط است. این عمل که از عنوان موجبات تحقق جرم ارتشاء، در قانون مجازات اسلامی^۱ به عمل آمده است بیانگر رابطه کارچاق کن برای نفوذ در تصمیمات کارکنان و مسئولان مذکور می‌باشد. اما موضوع فقط به اینجا ختم نمی‌شود و در قانون تشدید مجازات، موضوع به صورت ابعاد وسیع و گسترده‌تر، تحت عنوان اقدام باندی و شبکه‌ای^۲ نام برده‌اند که به تبع آن مجازات‌های پیش‌بینی شده هم شدیدتر از موارد مشابه می‌باشد.

نتیجه‌گیری

واسطه‌گری و برقراری ارتباط بین طرفین در خصوص انجام اعمال حقوقی و غیرحقوقی را می‌توان از دو منظر بررسی و تشریح نمود:

واسطه‌گری که قانون‌گذار بر روی آن صحنه گذاشته و آن را تأیید و تصدیق نموده، دلالتی، حق‌العمل‌کاری که مصادیق آن به تفصیل در قانون تجارت بیان شده است. اما نوع دیگری از واسطه‌گری و دلالتی به معنای خاص و متفاوت از قانون تجارت، کارچاق‌کنی می‌باشد که یکی از آفات موجود در دستگاه‌های دولتی و عمومی بالأخص دادگستری‌ها می‌باشد که در سالیان اخیر، رشد قارچ‌گونه داشته و صدمات زیادی را هم به مردم و هم به دستگاه قضا وارد نموده است.

کارچاق‌کنی، منجر به اختلال در سطح نظام اداری شده و این باور و القا را در آحاد جامعه به وجود می‌آورد که بدون وجود واسطه و رابط، انجام امور اداری غیرقابل انجام و یا بسیار سخت و به‌کندی پیش خواهد رفت. اما نکته حائز اهمیت و قابل تأمل در خصوص پدیده کارچاق‌کنی، عدم وجود قانون مشخص و معین در این باره و همچنین هیچ‌گونه عبارتی که دربردارنده این عنوان در متون و قواعد حقوقی ما باشد وجود ندارد.

حال برای اینکه این عمل را با رعایت اصل قانونی بودن جرم و مجازات‌ها و اصل تفسیر مضیق در قوانین کیفری مورد تطابق و بررسی قرار دهیم چاره جز مصداق‌یابی نداریم. در قوانین خاص و همچنین در قوانین عامه، جرائم بسیاری وجود دارند که با سوءاستفاده از وضعیت خاص مردم و عناصر مهم فریب و به اشتباه انداختن، جان و مال و عرض مردم، مورد تهدید و در معرض خطر قرار می‌گیرد.

۱. ماده ۵۹۳ قانون مجازات اسلامی
هر کس عالماً و عامداً موجبات تحقق جرم ارتشاء از قبیل مذاکره، جلب موافقت یا وصول و ایصال وجه یا مال سند پرداخت وجه رافراهم نماید به مجازات رایش بر حسب مورد محکوم می‌شود.

۲. ماده ۴ قانون تشدید مجازات - کسانی که با تشکیل یا رهبری شبکه به امر ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مبادرت ورزند علاوه بر ضبط کلیه اموال منقول و غیرمنقولی که از طریق رشوه کسب کرده‌اند بِنفع دولت و استرداد اموال مذکور در مورد اختلاس و کلاهبرداری و رد آن حسب مورد به دولت یا افراد، به جزای نقدی معادل مجموع آن اموال و انفصال دائم از خدمات دولتی و حبس از پانزده سال تا ابد محکوم می‌شوند و در صورتی که مصداق کامل مفسد فی‌الارض باشند مجازات آنها مجازات مفسد فی‌الارض خواهد بود.

یکی از اصلی‌ترین جرائم مرتبط با کارچاق‌کنی و دلالی غیرقانونی، جرم اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی می‌باشد. این قانون، علی‌رغم اینکه مدت‌زمان زیادی از زمان تصویب آن می‌گذرد و با تصویب قوانین مؤخر نسخ نشده است، در رویه قضایی موجود اثری بسیار منفعلانه داشته و کاملاً به انزوا کشیده شده است و در موارد کمتری مورد استناد واقع می‌شود.

عنوان قابل بحث دیگر، عنوان مجرمانه تظاهر به وکالت می‌باشد؛ آن‌هم از قانون وکالت که هم عصر قانون اعمال نفوذ برخلاف حق می‌باشد. به دیگر سخن، دو عنوان مجرمانه که مطابقت و مشابهت زیادی به کارچاق‌کنی دارند مربوط به سال‌ها پیش بوده و بالطبع قابل پیش‌بینی خواهد بود که با مرور زمان علاوه بر اثر منفعلانه، فاقد ضمانت اجرای لازم و بازدارندگی خواهد بود.

کلاهبرداری و جعل عنوان نیز از جمله مصادیقی است که به کارچاق‌کنی نزدیک می‌باشد اما این نکته را باید مورد توجه قرارداد که اصولاً کارچاق‌کن‌ها با نفوذ و اعتبار غیرمشروع و غیرقانونی که در محاکم و مراجع دارند منجر به فساد و ضربه به ارکان، ساختار و پیکره سلسله‌مراتب قانونی و اداری کشور می‌شوند. درحالی‌که در جرائم جعل عنوان و کلاهبرداری، در ظاهر عمل کارچاق‌کنی و ادعای نفوذ مطرح می‌شود ولی هدف و غایت نهایی، چیزی جز بردن مال و سوءاستفاده از اعتماد انجام شده نخواهد بود.

حال با تشریح و تبیین موضوع درمی‌یابیم که اولاً سیاست جنایی تقنینی حاکم بر کارچاق‌کنی و موارد مشابه به آن فاقد جنبه کنش‌گرایی و جامع بودن می‌باشد؛ به‌نوعی که توان مقابل به مثل و در مصون قرار دادن جامعه از خطرات موجود را ندارد و تعبیر آن به یک داروی خفیف و مسکن برای درمان یک بیماری سخت، قیاس منطقی خواهد بود.

ثانیاً در برخورد با مرتکبین این جرائم، اغماض صورت گرفته است که منجر به نفوذ این افراد به بالاترین بدنه‌ی یک نهاد و ارگان و تولید فساد در حجم انبوه و کلان شده است.

ثالثاً علاوه بر اینکه سازوکار لازم در قبال جلوگیری از این پدیده به عمل نیامده است، بلکه در برهه زمانی به وقوع و گسترش آن دامن زده شده است. یک نمونه از آن، اتخاذ تصمیم درخصوص صدور مصوبه سال ۹۱ اداره کل ثبت شرکت‌ها مبنی بر اینکه، الزامی به حضور وکیل دادگستری در ثبت و تشکیل مؤسسات حقوقی وجود نخواهد داشت. همین عمل منجر به صدور و تأسیس بی‌رویه و اقدامات خلاف واقع و البته اقدام خارج از حیطه تخصصی این قبیل از مؤسسات شد.

در پایان و با بررسی و واکاوی عمل کارچاق‌کنی و رویکرد قانون‌گذاری در این باره، ارائه راه‌حل و راهکارهایی جهت بهبود اوضاع و خلأهای موجود در این باره ارائه می‌گردد:

مهم‌ترین اقدامی که در این باره می‌بایست صورت گیرد تبیین یک قانون مستقل (قانون خاص) که دربرگیرنده تمامی حالات و فروع مختلف عمل کارچاق‌کنی باشد. چراکه همان‌طور که اشاره شد، قوانین مرتبط دیگر پاسخگوی وضعیت فعلی جامعه نخواهند بود.

مسئله دیگری که می‌بایست به آن توجه داشت، لزوم نظارت مستمر بر کلیه مؤسسات حقوقی،

هم در هنگام تأسیس و هم پس از آن است، چراکه سرمنشأ بسیاری از جرائم این حوزه مربوط به عدم نظارت کافی در این باره می‌باشد.

بروکراسی یا کاغذبازی اداری، مسئله دیگری است که در پیدایش کارچاق‌کن‌ها بسیار مؤثر می‌باشد. بسیاری از مردم به دلیل مشغله کاری و عدم توانایی و پیگیری امور طاقت‌فرسای اداری، با ادعای کارچاق‌کن‌ها مبنی بر نفوذ و اعتبار در ادارات و به جهت صرفه‌جویی در وقت و هزینه خود، این امور را به‌طور کلی به کارچاق‌کن‌ها واگذار می‌کنند. در این باره پیشنهاد می‌شود با حذف این رویه و به‌ویژه انجام امور اداری به‌صورت سیستمی و رایانه‌ای تا حد امکان، اولاً ارتباط مردم با کارکنان و کارمندان مراجع کمتر می‌شود و ثانیاً سرعت رسیدگی به امور تسریع می‌یابد.

دقت، سخت‌گیری و اخذ وثایق از کارکنان در هنگام استخدام و گزینش، در مراجع و ارگان‌ها موجب جذب افراد معتقد و پاک دست شده و زنجیره ارتباطی کارچاق‌کن‌ها با کارکنان و کارمندان ادارات و نهادهای عمومی و دولتی قطع خواهد شد.

منابع

- اردبیلی، محمدعلی، (۱۳۹۸)، *حقوق جزای عمومی*، تهران، نشر میزان، تهران، چاپ پنجاه و هفتم، جلد اول بیاتی، سعید، (۱۳۷۶) احراز هویت، *مجله کانون وکلای دادگستری مرکز*، شماره سوم، ص ۲۲
- جهانگیری، سیف، (۱۳۸۷) هشدار انتظامی، تلقی دروغ‌گویی به‌جای جعل، *مجله قضاوت*، شماره پنجاه و چهارم، صص ۱۷-۲۳
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷) *لغت‌نامه*، جلد اول، ص ۱۸۸، تهران، نشر روزنه،
- ذاکر صالحی، غلامرضا (۱۳۹۱) ارتقای سلامت دستگاه قضا، مورد کاوی مبارزه با پدیده‌ی واسطه‌گری، *مجله پژوهش حقوق کیفری*، شماره اول، ص ۵۷
- رحمدل، منصور (۱۳۸۹)، بررسی تحلیلی بزه اعمال نفوذ توسط مأموران دولتی و رابطه‌ی آن با فساد مالی کارمندان، *مجله تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل*، شماره پنجم، ص ۱۶
- شفایی، محسن (۱۳۸۸) رشوه و اقسام آن، *مجله‌ی کانون وکلای دادگستری مرکز*، شماره پنجاه و سه، ص ۱۵
- عمید، حسن (۱۳۷۵) *فرهنگ فارسی عمید*، جلد اول، ص ۳۳۸، تهران، نشر امیرکبیر،
- عظیم زاده، شادی، (۱۳۹۹)، *حقوق جزای اختصاصی*، تهران، نشر دوران‌دیشان، چاپ سی و سوم، جلد دوم قلی‌پور، رحمت‌الله (۱۳۸۵) فساد اداری و راهکارهای مناسب برای مبارزه با آن، *مجله مجلس و راهبرد*، شماره پنجاه و سوم، ص ۱۰
- قانون تجارت، مصوب (۱۳۱۱)
- قانون مجازات اسلامی، کتاب پنجم، مصوب (۱۳۷۵)
- قانون مجازات اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی مصوب (۱۳۱۵)
- قانون مجازات تشدید مجازات تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء اختلاس و کلاهبرداری مصوب (۱۳۶۷)
- قانون وکالت مصوب (۱۳۱۵)

کوشا، جعفر، (۱۳۹۰) *بایسته‌های حقوق جزای اختصاصی*، تهران، نشر مجد، چاپ اول
کوشا، جعفر (۱۳۹۱) اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی، *مجله ی پژوهش حقوق کیفری*، شماره اول،
صص ۱۶۳-۱۶۵

گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۸) *بایسته‌های حقوق جزای اختصاصی*، تهران، نشر میزان، چاپ پنجم
میر محمد صادقی، حسین (۱۳۹۹)، *جرایم علیه اموال و مالکیت*، تهران، نشر میزان، چاپ پنجاه هفتم، جلد دوم